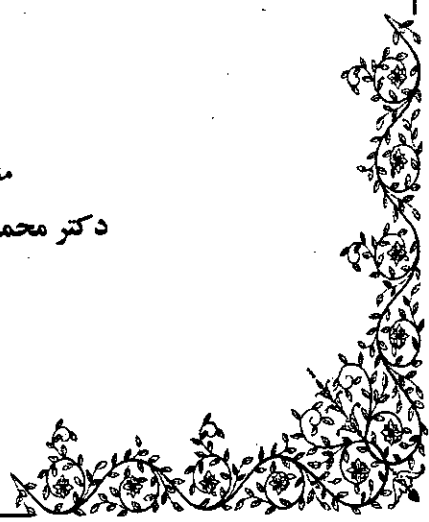




تحلیل مبانی انسان‌شناختی انقلاب اسلامی

مؤلف:

دکتر محمد رضا ضمیری



www.ketab.ir

سرشناسه: ضمیری، محمدرضا، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور: تحلیل مبانی انسان‌شناختی انقلاب اسلامی / مؤلف محمدرضا ضمیری
مشخصات نشر: خرم‌آباد: قلم اعظم، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۳۲۰ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک: ۱۳۰۰۰ ریال ۹۴۳۳۸-۱-۰ ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۳۳۸-۱-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۱۲ - ۳۱۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: انسان (اسلام) موضوع: انسان‌گرایی موضوع: انسان‌شناسی
موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷
رده بندی کنگره: BP/۲۲۶/۲ ض ۱۳۹۳۳
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۶۶
سماه کتابشناسی ملی: ۳۵۰۶۹۷۴

نام کتاب: تحلیل مبانی انسان‌شناختی انقلاب اسلامی
مؤلف: دکتر محمدرضا ضمیری (استادیار دانشگاه پیام نور)
ناشر: قلم اعظم

صفحه آرای و طرح جلد: فهیمی ۰۹۱۹۰۷۲۱۰۸۲

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: دژ

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۳۳۸-۱-۰



مرکز پخش:

خرم آباد، خیابان ۶۰ متری، خیابان پاسداران، کوچه آبشار، تقاطع دوم

انتشارات قلم اعظم: ۰۹۱۶۹۸۰۴۲۷۵ حسوند

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۳	گونه‌شناسی مطالعات انسان‌شناسی
۱۴	توجه به نقش انسان در انقلاب
۱۸	چارچوب نظری پژوهش
۲۰	واژه‌شناسی اومانیسم
۲۱	تعاریف اومانیسم
۲۱	معنای ادبی و فلسفی اومانیسم
۲۲	پیشینه تاریخی اومانیسم
۲۵	اندیشه‌های اساسی اومانیسم
۲۸	مکاتب اومانیستی
۲۸	انواع اومانیسم
۳۱	نقد و بررسی اومانیسم
۳۵	انسان از منظر اسلام
۳۶	انسان در لغت و اصطلاح
۳۸	ویژگیهای اساسی انسان از نگاه اسلام
۵۵	مقایسه اجمالی نگاه اسلام و اومانیسم به انسان

فصل اول:

خودشناسی و خودآگاهی

- ۶۲.....انواع خودشناسی و خودآگاهی
- ۶۶.....نوع خودآگاهی انقلاب اسلامی
- ۶۸.....جلوه‌های خودآگاهی در انقلاب اسلامی

فصل دوم:

تحول درونی یا یقظه اجتماعی

- ۸۲.....تحول درونی و انقلاب اسلامی
- ۸۵.....ابعاد تحول درونی ملت ایران

فصل سوم:

اعتماد به نفس

- ۹۲.....مفهوم شناسی اعتماد به نفس (Self – confidence)
- ۹۳.....دیدگاه‌های مختلف در مورد اعتماد به نفس
- ۹۵.....انواع اعتماد به نفس
- ۹۶.....راههای تقویت اعتماد به نفس
- ۹۶.....اعتماد به نفس از منظر دین
- ۱۰۰.....اعتماد به نفس ملی و اجتماعی
- ۱۰۱.....اعتماد به نفس و انقلاب اسلامی
- ۱۰۴.....اعتماد به نفس در تخریب وضع موجود

- اعتماد به نفس در ایجاد وضع مطلوب ۱۰۵
- تئوری بازگشت به خویشتن ۱۰۷

فصل چهارم:

فطرت

- مفهوم‌شناسی فطرت ۱۱۳
- تفاوت فطرت با طبیعت و غریزه ۱۱۴
- گرایش فطرت به کمال مطلق و نفرت از نقص و کاستی ۱۱۹
- فطرت و انقلاب اسلامی ۱۲۰

فصل پنجم:

نیت و انگیزه

- نیت و مباحث علمی ۱۳۰
- انگیزه مقدس و انقلاب اسلامی ۱۳۲

فصل ششم:

کرامت انسان

- علم به اسماء ۱۳۸
- خلافت ۱۳۹
- تسخیر آسمان و زمین ۱۳۹
- بصیرت بر خویشتن ۱۴۰
- کرامت انسانی در اسناد بین‌المللی ۱۴۰
- انواع کرامت ۱۴۲

- آثار و کارکردهای اجتماعی و سیاسی کرامت انسان ۱۴۳
- انقلاب اسلامی و کرامت انسانی ۱۴۹
- نقش کرامت انسانی در ایجاد انگیزه مبارزه بر علیه استبداد ۱۵۰
- نقش و کارکرد کرامت در استمرار و حاکمیت نظام اسلامی ۱۵۲
- تبلور کرامت انسانی در قانون اساسی ۱۵۴

فصل هفتم:

ارزشهای انسانی و معنوی

- مفهوم ارزش (Value) ۱۵۸
- ارزش از نگاه جامعه‌شناسی ۱۵۸
- ارزش از نگاه روان‌شناسی ۱۶۰
- اطلاق یا نسبیت ارزشها ۱۶۱
- رابطه انسان و ارزش ۱۶۲
- تغییر ارزشها ۱۶۳
- عوامل تغییر ارزشها ۱۶۸
- فرایند تغییر ارزشها ۱۷۰
- انقلاب اسلامی و ارزشها ۱۷۰
- ارزشهای منفی رژیم طاغوت ۱۷۴
- ارزشهای تولیدی انقلاب اسلامی ۱۸۴

فصل هشتم: رشد اخلاق انقلابی

مقدمه	۱۹۲
تعریف اخلاق	۱۹۳
اهمیت و جایگاه اخلاق در زندگی	۱۹۵
اخلاق دینی و اخلاق سکولار	۱۹۸
اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی و سیاسی	۲۰۰
اخلاق انقلابی	۲۰۲
رشد اخلاق انقلابی در عموم مردم در جریان انقلاب اسلامی	۲۰۴

فصل نهم: مسئولیت پذیری انسان

منشأ زندگی اجتماعی	۲۳۲
اختیار و مسئولیت پذیری	۲۳۴
انواع مسئولیتهای انسان	۲۳۶
انقلاب اسلامی و مسئولیت پذیری	۲۴۳
حمایت ویژه از مسلمانان فلسطین	۲۵۱

فصل دهم: کمال طلبی

تعریف کمال	۲۵۸
اما تعریف اصطلاحی آن:	۲۶۰

۲۶۲.....	انواع کمالات.....
۲۶۶.....	قرب الهی.....
۲۶۸.....	راه رسیدن به کمال و قرب الهی.....
۲۷۰.....	درجات قرب و کمال الهی.....
۲۷۱.....	کمال انسان از نگاه سایر مکاتب.....
۲۷۳.....	جلوه‌های کمال‌طلبی در انقلاب اسلامی.....

فصل یازدهم:

خلافت الهی

۲۸۷.....	مفهوم‌شناسی خلیفه و خلافت.....
۲۸۹.....	مقام جانشینی خدا برای انسان.....
۲۹۳.....	خلافت مقام اختصاصی یا عمومی.....
۲۹۴.....	استمرار مقام خلافت.....
۲۹۵.....	قلمرو جانشینی.....
۲۹۶.....	آثار و لوازم جانشینی خداوند.....
۲۹۸.....	تبیین مأموریت‌های خلیفه الهی بر روی زمین.....
۳۰۱.....	خلافت الهی و انقلاب اسلامی.....



۳۱۲.....	فهرست منابع.....
----------	------------------

مقدمه

انقلاب مهمترین پدیده اجتماعی سیاسی است که هم هزینه‌های زیادی در پی دارد و هم باعث تحولات و دگرگونیهای زیادی می‌شود، هر چند این پدیده دارای سوابق طولانی است اما بی‌شک در دوران معاصر یکی از شیوه‌های خشن برای تغییر بافت سیاسی و حکومتی محسوب می‌گردد؛ از این رو جامعه‌شناسان و اندیشمندان سیاسی برای فهم علل و عوامل وقوع یک انقلاب در یک جامعه تئوری پردازیهای مختلفی را ارائه نموده‌اند.

انقلاب اسلامی ایران هر چند در اصل انقلابی با سایر انقلابهای جهان ویژگیهای مشترکی دارد اما بدون تردید خصوصیات انحصاری، آن را از سایر انقلابهای دنیا ممتاز می‌سازد. این خصائص انحصاری برخی به رهبری پیامبرگونه حضرت امام خمینی علیه السلام و برخی دیگر به شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی و برخی دیگر را باید در خصائص ذاتی مکتب تشیع جستجو کرد...

تاکنون مطالعات متعددی پیرامون انقلاب اسلامی شکل گرفته، برخی از آنها صبغه تاریخی دارد و برخی دیگر بر صبغه سیاسی و اجتماعی

تأکید دارد و از سوی متفکران داخلی و خارجی نظریات متعددی برای تحلیل و بازشناسی علل پدید آمدن و چگونگی پیدایش انقلاب اسلامی ابراز شده که هنوز هم به نظر می‌رسد آنچنان که باید ابعاد و زوایای این پدیده بزرگ قرن حاضر، تحلیل نشده است اما هدف از این نوشتار رویکرد تازه‌ای به انقلاب اسلامی است، این بار مسائل بسی عمیق‌تر و ژرف‌تر در نظر گرفته می‌شود و ما برای بازشناسی ابعاد انقلاب اسلامی به مطالعه مبانی و زیرساخت‌های آن می‌پردازیم. هر جامعه‌ای دارای دو لایه زیرین و روبین است. روبیناها به تحولات و دگرگونیهای ظاهری و کمی و قابل مشاهده مربوط می‌شود ولی زیریناها به مبانی و ساختارهای اساسی که همه تحولات و دگرگونیها بر آنها استوار است. بنابراین در پس هر پدیده اجتماعی و سیاسی مجموعه‌ای از مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی و کلامی و حقوقی و فقهی وجود دارد و بدون درک و فهم آن مبانی نمی‌توان درک صحیحی از آن پدیده‌ها داشت. ما در این نوشتار به بحث و بررسی پیرامون مبانی انسان‌شناختی انقلاب اسلامی با تأکید بر آموزه‌های دینی خواهیم پرداخت.

بنابراین روش مطالعه ما تحلیلی و عقلی است که گاه با شواهد تاریخی و اجتماعی تکمیل می‌گردد و قطعاً روش این نوشتار رویکرد تاریخی و یا احیاناً سیاسی به موضوع انقلاب نمی‌باشد، پس ما به سؤال چرایی و یا چگونگی وقوع انقلاب اسلامی نخواهیم پرداخت چرا که با

این رویکرد کتب و مقالات فراوانی به رشته تحریر درآمده است، بلکه ما به این سؤال که انقلاب اسلامی برچه مبانی انسان‌شناختی استوار است پاسخ خواهیم داد ولی پیش از پرداختن به مبانی یاد شده، چارچوب نظری بحث را تبیین خواهیم کرد در این چارچوب انسان از دو منظر اسلام و اومانیسم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و بحث مبانی انسان‌شناختی انقلاب اسلامی براساس دیدگاه اسلام در مورد انسان و ابعاد وجودی آن تنظیم می‌شود.

تفاوت‌شناسی مطالعات انسان‌شناسی

انسان‌شناسی از دیدگاه مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است و علوم متعددی با مرکزیت انسان شکل گرفته است و چند تلقی و رویکرد اساسی به مطالعه انسان وجود دارد:

۱. انسان‌شناسی فلسفی: نوعی از انسان‌شناسی است که با روش و متد عقلانی به شناخت انسان و ویژگیهای او می‌پردازد و مباحثی از قبیل منشأ پیدایش انسان، قوای انسان، روح و... را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲. انسان‌شناسی دینی: نوعی از انسان‌شناسی است که مهمترین مسائل مربوط به انسان را از دریچه آیات و روایات مورد مطالعه و پژوهش قرار می‌دهد.

۳. انسان‌شناسی اجتماعی یا مردم‌شناسی: این نوع رویکرد، انسان را در حیات اجتماعی با نگاهی فرهنگی مورد مطالعه قرار داده و در صدد است که سیر تاریخی پیدایش حیات اجتماعی انسان، تحولات اجتماعی و گروهی و سازماندهی اجتماعی انسان را در قالب سازمان خانواده، حکومت، اقتصاد و معیشت و سازمان دینی مورد کنکاش قرار دهد.

۴. انسان‌شناسی تاریخی: در این رویکرد وقایع تاریخی انسانها از دوره‌های مختلف جوامع بشری مورد پژوهش قرار گرفته و وقایع و حوادث مهم در تاریخ نوع بشر بررسی می‌شود. ما در این تحقیق بیشتر بر رویکرد اول و دوم به بررسی و تحقیق مبانی انقلاب اسلامی خواهیم پرداخت.

توجه به نقش انسان در انقلاب

انقلاب یک دگرگونی بنیادین در جامعه است و تحول در اجتماع بدون تحول در انسان در ابعاد معرفتی و گرایشی او امکان‌پذیر نمی‌باشد. زیرا می‌بایست انسان احساس کند که روال موجود جامعه نمی‌تواند انسان را به اهداف و مقاصدش برساند و این معرفت وقتی به اکثریت افراد جامعه گسترش یافت آدمی درمی‌یابد که می‌بایست وضع و نظم موجود را درهم ریزد و نظم نوینی با نهادهایی که بتواند به تحقق آرمانها و اهداف و

مقاصدش کمک کند، از نو بنیاد کند. بنابراین برای تحلیل واقعی یک انقلاب می‌بایست به تحلیل انسانی افراد موجود در جامعه روی آورد تا بررسی انقلاب بصورت ریشه‌دار و عمیق صورت گیرد نه بصورت سطحی و ظاهری پس ریشه‌های اصلی انقلاب را می‌بایست در درون انسان جستجو کرد.

استاد شهید مطهری در این زمینه می‌گوید:

«یک نهضت اسلامی، نهضت انسان‌گرا به معنای واقعی کلمه است. چون نهضتی است که از فطرت انسان ناشی می‌شود نه از شکمش. یک نهضت انسان‌گرا به تمام معنا خالص و پاک و من امیدوارم هر طور که احساس می‌کنم در رهبری نهضت خلوص هست در مردم ما و در جامعه ما نیز صفا و خلوص باشد که هست.»^۱

بنابراین تحلیل انقلاب اسلامی بدون توجه به نقش انسان و جایگاه او در هستی، تحلیلی سطحی و ناقص است و نگاه بیابان به انقلاب اسلامی اقتضاء دارد که مبانی انسان‌شناختی انقلاب در ابعاد مختلف مورد بازشناسی قرار گیرد.

علامه مطهری تحلیل بسیار ارزنده‌ای از نقش انسان در انقلاب دارند و آن را از یک تفکر هندی اقتباس نموده و چنین می‌فرماید: «در کتاب

خاک و آدم ص ۸۳ از زبان وینوبا پیامبر اصلاح ارضی هندوستان در عصر ما می‌نویسد:

«ای مردم هندوستان، انقلاب حقیقی انقلابی است که اول در اذهان و ارواح و ضمائر افراد قومی به عمل آید...»
حقیقت همین است و باید گفت هر انقلابی انقلاب در روح است و اگر نه، نام هرج و مرج و بی‌نظمی و بلوا و غوغا دارد...^۱

ما هم نقطه عزیمت خود را در تحلیل انقلاب اسلامی «انسان» می‌دانیم یعنی ببینیم که انسان قبل و بعد از انقلاب چه تفاوتی کرده است؟ چه شناختها و چه گرایش‌های برای او پدید آمده است؟ آرمانها و اهداف او دچار چه تحول و دگرگونی شده است و چه عواملی بر این تغییر نگرش و بینش و گرایش تأثیرگذار بوده است؟ امام خمینی هدف انبیاء را انسان‌سازی دانسته و همه چیز را برای آن به کار می‌گرفتند و ایشان خواست استعمارگران را نفی انسانیت و پرورش انسان بی‌دانشند چرا که انسان ساخته شده سد مستحکمی در مقابل استعمار خواهد بود. امام می‌فرماید:

«آن چیزی که مطرح است پیش انبیاء، انسان است، چیز دیگری پیش انبیاء مطرح نیست. همه چیز به صورت انسان باید درآید. می‌خواهند انسان درست کنند. انسان که درست شد

همه چیز درست می‌شود. رژیم‌ها به تبع خارجی‌ها می‌خواستند که در این ممالک شرقی انسان درست نشود، آنها از انسان می‌ترسند. آنها می‌خواهند که یک انسان پیدا نشود. انسان اگر پیدا شد زیر بار زور نمی‌رود انسان، انسان اگر پیدا شد منافع مملکتش را به خارج نمی‌دهد. انسان برای خدا کار می‌کند و برای خداست. زندگی‌اش برای خداست و مردنش هم برای خداست. یک چنین موجودی ممکن نیست که برای اجانب خدمت بکند و به ضد کشور خودش قیام بکند. اینها نخواستند در دانشگاه‌های ما انسان درست بشود از انسان می‌ترسیدند، کوشش کردند که نیروی انسانی ما را نگذارند رشد بکند، نیروی انسانی ما را نگذارند جلو برود... ما انسان می‌خواهیم، همه فدای انسان. انسان وقتی درست شود همه چیز درست می‌شود.^۱

ما در این بخش در صدد تبیین و تحلیل مبانی و زیرساخت‌هایی در انسان هستیم که در پیروزی انقلاب اسلامی اثرگذار بوده است و هدف از این مطالعه ارائه این تفکر است که انقلاب اسلامی دارای ریشه‌های بسیار مستحکمی در اندیشه‌ها و بینش‌ها و گرایش‌های انسان‌ها داشته و انقلاب محصول آن تحولات عمده و عمیق انسان‌شناختی بوده است.

فرضیه اساسی ما در این تحقیق این است که انقلاب اسلامی از درون و فطرت مردم ما سرچشمه گرفته و انسان ایرانی در آستانه انقلاب اسلامی

دچار تحول اساسی شده و شناخت و گرایش و بینش او دستخوش تغییر و تحول بنیادین شده است و در نتیجه این تحول درونی، تحول بیرونی شکل گرفته است و تغییرات اساسی که در سیاست، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد رخ داده همگی تجلی و جلوه تحولات درونی انسان ایرانی است و عامل اساسی این تحول درونی مذهب و روح تشیع می باشد.

چارچوب نظری پژوهش

بررسی و شناخت مبانی انسان شناسی انقلاب اسلامی، مستلزم درک پشتوانه نظری آن است. بدون شناخت دیدگاه ویژه اسلام به مقوله انسان و مقایسه آن با دیدگاه رفیق ازبغنی اومانيسم فهم انسان شناسی انقلاب میسر نمی شود زیرا باید دید که اسلام چه نگاهی به انسان داشته و چه خصایصی برای آن قایل است و جایگاه آن در سنتی چه می داند؟ اما از دیدگاه اومانيسم انسان محور جهان بوده و همه حرکت های اجتماعی و سیاسی می بایست در جهت برآوردن لذتها و آزادیهای انسانی قرار گیرد.

از نگاه اسلام، محور جهان خداست و انسان جانشین خداست و انسان آنگاه جایگاه حقیقی خود را می یابد که تمامی آمال و آرزوها به هنجار و ارزشها و رفتارها و نیت های خود را در مسیر الهی قرار دهد و هر حرکتی که در تضاد با خدا محوری و قرب الهی قرار گیرد محکوم به فناء و شکست و نابودی است و با چنین نگاهی، انقلاب و دگرگونی

اجتماعی و سیاسی می‌بایست در مسیر قرب الهی انسان قرار گیرد در صورتی که طبق نگاه اومانیستی انقلاب و دگرگونی‌های وسیع اجتماعی می‌بایست به محوریت انسان در جهان و آزادی بیشتر و لذت‌های انسان بینجامد.

اومانیست‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی به طور جدی به مخالفت با این نهضت خدامحور برخاسته و به شیوه‌های گوناگون در صدد تضعیف و تزلزل در اصول و مبانی آن برخاستند؛ زیرا آنان به غلط تصور می‌کردند اسلام همچون مسیحیت تحریف شده است که هرگاه بر کرسی حکومت بنشیند به اسم دین و ارزش‌های الهی، استبداد به راه انداخته و آزادی‌ها و آدمیان را در پای ساقی حکمرانان ذبح خواهد کرد در حالی که هم براساس قانون اساسی و هم بنیانگذار انقلاب اسلامی و نیز تجربه همین حکومت دینی چنین نشد و کرامت و ارزش والای انسان و آزادی در کنار اصول اعتقادی دین پایه و رکن نظام اسلامی عنوان شد و اصل دوم قانون اساسی بهترین شاهد در این زمینه است.

بهر حال از آنجا که بنیان انقلاب اسلامی ما براساس آموزه‌های دینی بوده ضروری است نگاه دین به انسان و ابعاد آن با نگاه اومانیسم مورد مقایسه و بررسی قرار گرفته و نقش آن در تبیین انقلاب اسلامی بازشناسی شود.

واژه‌شناسی اومانیزم

این واژه در بستر تفکر غربی شکل گرفته و بمعنای اصالت بشر و بشرمحوری است. هر چند در طول تاریخ اندیشه، تطوّر معنایی داشته اما نقطه کانونی همه آنها «بشرمحوری» است.

«ریشه این واژه (humble chumilis) از واژه لاتین humus به معنی خاک یا زمین است. لذا ho mo به معنای هستی زمینی و humanus به معنی خاک یا انسان است. این واژه از آغاز در تقابل با سایر موجودات خاکی (حیوانات، گیاهان) و مرتبه دیگری از هستی‌ها، یعنی ساکنان آسمان یا خدایان (deus/divus, divinus) قرار می‌گیرد. در اواخر دوران باستان و قرون وسطا، مختصان و روحانیون میانه divinitas به معنی حوزه‌هایی از معرفت و فعالیت که از کتاب مقدس نشأت می‌گرفت و hmanitas یعنی حوزه‌هایی که قضایای عمومی زندگی دنیوی مربوط می‌شد فرق گذاشتند از آنجا که این حوزه دوم بخش اعظم مواد خام خود را از نوشته‌های رومی و به طور فزاینده یونان باستان می‌گرفت مترجمان و آموزگاران این آثار که معمولاً ایتالیایی بودند خود را (umanisti) یا «اومانیزست‌ها» نامیدند.^۱

۱. تونی، دیوس، اومانیزم، ص ۱۷۰.